نه سرایت بیماری [اصالتی دارد] و نه بدشگونی و نه هامه و صفر؛ و از جذامی چنان فرار کن که از شیر فرار می‌کنی

از ابوهریره ـ رضی الله عنه ـ روایت است که رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ فرمودند: «لاَ عَدْوَى وَلاَ طِيَرَةَ، وَلاَ هَامَةَ وَلاَ صَفَرَ، وَفِرَّ مِنَ المَجْذُومِ كَمَا تَفِرُّ مِنَ الأَسَدِ»: «نه سرایت بیماری [اصالتی دارد] و نه بدشگونی و نه هامه و صفر؛ و از جذامی چنان فرار کن که از شیر فرار می‌کنی».

[صحیح است] [بخاری و مسلم در روایت آن اتفاق دارند]

پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ برخی از امور جاهلیت را جهت پرهیز از آنها و اینکه همه چیز به دست الله است و چیزی رخ نمی‌دهد مگر به امر و تقدیر او، بیان می‌کند که از این قرار هستند: نخست: اهل جاهلیت معتقد بودند که بیماری خودبخود سرایت می‌کند؛ لذا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از این باور که انتقال بیماری از یک بیمار به بیمار دیگر بنابر طبع آن بیماری رخ می‌دهد، نهی می‌کند؛ زیرا این الله متعال است که در هستی تصرف می‌کند و اوست که بیماری را نازل نموده و رفع می‌کند؛ و این جز به اراده و تقدیر او رخ نمی‌دهد. دوم: هرگاه اهل جاهلیت قصد سفر یا تجارت می‌کردند پرندگان را به پرواز درمی‌آوردند، پس اگر به سمت راست پرواز می‌کردند، آن را بشارت می‌دانستند و چون به سمت چپ پرواز می‌کردند آن را شوم دانسته و برمی‌گشتند و منصرف می‌شدند. لذا پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از شوم‌انگاری با پرندگان نهی کردند و بیان داشتند که این اعتقادی باطل است. سوم: اهل جاهلیت می‌گفتند: اگر جغد بر خانۀ کسی نشست، برای اهل خانه مصیبتی رخ خواهد داد؛ پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ از شوم دانستن جغد نهی کردند. چهارم: نهی از شوم‌انگاری ماه صفر که دومین ماه از سال قمری است. برخی هم گفته‌اند صفر در اینجا ماری است در شکم که دام‌ها و مردم گرفتار آن می‌شوند و گمان می‌کردند که از مرض جَرَب (گری) مسری‌تر است؛ و ایشان این اعتقاد را نیز نفی کردند. پنجم: رسول خدا به دوری از کسی امر می‌کند که به جذام مبتلا شده است، چنانکه انسان از شیر می‌گریزد؛ و این از بابت احتیاط جهت حفظ جان و سلامتی آن و انجام اسبابی است که الله متعال به آنها امر کرده است. جذام نوعی بیماری است که باعث خورده شدن اعضای بدن می‌شود.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3407